

تدوین اصول طراحی محله‌ی دوستدار کودک با رویکرد تقویت حس اجتماعی کودکان (نمونه‌ی موردی: محله‌ی رشدیه تبریز)

مینا پیران هریس^۱
اکبر عبدالله‌زاده طرف^۲

چکیده

رشد اجتماعی و شکل‌گیری حس اجتماعی در کنار سایر ابعاد رشد اجتماعی کودکان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. فرآیند اجتماعی شدن در کودکان به صورت واضح از هم بازی شدن با هم‌سالان خود در عرصه‌های عمومی محیط‌های مسکونی شروع به شکل‌گیری می‌کند. هدف این پژوهش تدوین اصول طراحی محله‌ی دوستدار کودک براساس تقویت حس اجتماعی در آنها است. جهت تدوین اصول مورد نظر این پژوهش با روش کیفی و اتخاذ پارادایم واقعیت‌گرایی و تأکید بر ابعاد عینی محیط ابتدا به ارزیابی محله بر اساس دیدگاه کودکان و والدین پرداخت. سپس بر اساس نظرات آنها و چارچوب نظری تدوین شده به ارائه‌ی اصول طراحی محله‌ی دوستدار کودک بر اساس حس اجتماعی اقدام کرد. نمونه‌ی آماری شامل ۶۰ کودک و ۲۵ والدین شد. روش گردآوری اطلاعات به روش میدانی و با تکنیک‌های مصاحبه، پرسشنامه و مشاهده‌ی مستقیم صورت گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد جهت ایجاد یک محله‌ی دوستدار کودک جهت افزایش حس اجتماعی بایستی تمام ابعاد طراحی شهری به نوعی در فرآیند طراحی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حس اجتماعی، شهر دوستدار کودک، محله، رشدیه تبریز

مقدمه

کودکان به عنوان بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در شهرها، سهم عمده‌ای در استفاده از فضاهای مربوط به شهرها را دارند. امروزه توجه به این قشر از جامعه مورد توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران امور شهری قرار گرفته است، چرا که تعداد جمعیت کودکان در مناطق شهری جهان در حال افزایش است (کیانی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۱). کمبود فضاهای ایمن، خلاق و سرزنده، آلودگی محیطی، تراکم بالای ساختمان‌ها و عدم امنیت و خوانایی در محیط‌های شهری از جمله مسائل کودکان در شهرها هستند؛ از طرف دیگر تغییر در پارادایم سبک زندگی معاصر موجب شده است تا کودکان در واحدهای مسکونی اغلب کوچک، جز تلویزیون، بازی با خواهر و یا برادر یا بچه‌های همسایگان و انجام بازی‌های رایانه‌ای و گاهی مطالعه‌ی کتاب در غوغای ناشی از تراکم ساختمانی، تاریکی و گرفتگی فضای خانه، تفریح دیگری نداشته باشند (شیعه، ۱۳۹۱: ۴۴). این مسائل موجب کم‌رنگ شدن حضور کودکان در فضای شهری می‌شود، که این امر می‌تواند آسیب جدی به فرآیند رشد آنها در دوران کودکی منجر شود. براساس یک باور رایج و گسترده کودک عضو از جامعه تعریف می‌شود که هنوز به دلیل عدم تجهیز به مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز نقش‌ها، نقشی مؤثری در سازمان اجتماعی ندارد (کرمانی و ابراهیم‌آبادی،

^۱. کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده عمران و شهرسازی، موسسه آموزش عالی سراج تبریز

^۲. استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (نویسنده مسئول) Email: taraffarat@yahoo.com - Tel:09143103378

۱۳۹۳: ۷). کودکان دارای چهار بعد رشدی هستند: رشد فیزیکی، رشد هیجانی، رشد شناختی و رشد اجتماعی (نوروزی و نسترن به نقل از رایس، ۱۳۹۳: ۵). این پژوهش تلاش می‌کند با فرض اهمیت سایر جنبه‌های رشد کودکان به صورت دقیق‌تر به موضوع رشد اجتماعی کودکان در فضای شهری در مقیاس محله بپردازد. محله به عنوان اولین مقیاس از فضای عمومی است که کودکان زندگی در آن را تجربه کرده و آموزه‌های خود را به محیط‌های بزرگ‌تر شهری بسط می‌دهند. رشد اجتماعی به فرآیند اجتماعی شدن کودک از ارتباط با دیگران از اعضاء خانواده گرفته تا دوستان و همتایان را مرتبط می‌شود. حضور کودکان در فضای عمومی می‌تواند مزیت‌های بیشتری مانند درک جامعه، حس اعتماد و حمایت متقابل را داشته باشد (Tranter and pawson, 2001). این پژوهش در گام اول به دنبال تدوین راهنمایی است که بتواند از طریق آن محله‌ای طراحی یا بازآفرینی کند که «حس اجتماعی» در آن ارتقاء یابد. بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است: «محله‌ای که بتواند حس اجتماعی کودکان را ارتقاء دهد دارای چه ویژگی‌های است؟» در گام دوم یک محله در شهر تبریز (محله‌ی رشدیه) انتخاب می‌شود تا راهنمای مورد نظر در آن مورد آزمون قرار گیرد. هدف کلان پژوهش تدوین راهنمای طراحی محلات شهری دوستدار کودک با محوریت ارتقاء حس اجتماعی است.

مبانی نظری

تعریف مفاهیم

کودک

طبق تعریف فرهنگ فارسی معین کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده (پسر یا دختر) یا طفل آورده شده است (معین، ۱۳۸۹: ۱۲۳۴). اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک نیز در ماده‌ی یک خود کودک را کسی می‌داند که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد، مگر آنکه قوانین ملی کشور سن بلوغ را کمتر از آن تشخیص دهد (یونسکو، ۱۳۷۱). در ایران نیز ماده‌ی یک قانون حمایت از حقوق کودکان مصوب ۱۳۸۱، افراد زیر ۱۸ سال را به عنوان کودک معرفی کرده است (متینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۳). بر اساس یک باور گسترده و رایج «کودک عضوی از جامعه تعریف می‌شود که هنوز به دلیل عدم تجهیز به مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز نقش‌ها، نقشی مؤثر در سازمان اجتماعی ندارد» (کرمانی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۳: ۷). با توجه به تعاریف عنوان شده منظور از کودک کسی است که به سن بلوغ نرسیده و با توجه به اینکه بلوغ معمولاً در بین پسرها بین ۱۳ تا ۱۸ سالگی و در دخترها ۱۱ تا ۱۴ سالگی اتفاق می‌افتد، انتخاب معیار کمتر از ۱۲ سال کامل، برای تعریف کودک مبنای مناسبی را به دست می‌دهد (شیعه، ۱۳۸۶: ۱۳).

کودک و ابعاد رشد او

در روانشناسی رشد از تغییر و تحول نسبتاً نظام‌دار زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی فرد از لحظه‌ی انعقاد نطفه تا هنگام مرگ سخن گفته می‌شود؛ یعنی مطالعه‌ی چگونگی و چرایی تغییرات انسان در ابعاد مختلف در طول زندگی. بنابراین رشد تنها در بعد حرکتی و زیستی اتفاق نمی‌افتد، به همین دلیل برای فهم همه جانبه‌ی تحول انسان‌ها در طول زندگی لازم است تا رشد را از همه‌ی ابعاد آن مورد بررسی قرار داد: رشد حرکتی، رشد شناختی و رشد عاطفی و اجتماعی (پاکزاد، ۱۳۹۱). رایس معتقد است رشد کودکان دارای ۴ بعد مختلف است: رشد فیزیکی، رشد هیجانی، رشد شناختی و رشد اجتماعی. رشد فیزیکی موضوعات تغییر در رشد حرکتی، حواس و دستگاه‌های بدن، رشد شناختی شامل مباحثی مانند تفکر و یادگیری، قضاوت و مسأله‌گشایی است. رشد هیجانی به مباحثی چون دلبستگی، اعتماد، امنیت و عشق و احساسات و خلق‌و‌خو مرتبط است و رشد اجتماعی به فرآیند اجتماعی شدن و روابط با همتایان و اعضاء خانواده مرتبط می‌شود (نوروزی و نسترن، ۱۳۹۳: ۵). از طرف دیگر روانشناسان رشد کودک را در ۴ مرحله از تولد تا ۲ سالگی، از ۲ تا ۷ سالگی، از ۷ تا ۱۲ سالگی و بعد از ۱۲ سالگی در نظر گرفته‌اند (پاکزاد، ۱۳۹۱).

شهر و کودک

از آنجا که کودکان عامل پیوند نسل‌های گذشته و آینده محسوب می‌شوند و با توجه به اینکه قسمت عمده‌ای از جامعه‌ی ما را شکل می‌دهند، تلاش برای ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازها و سرشت فطری او که در دوران کودکی به آن نیازمند است ضروری می‌باشد. امروز این ضرورت چه در اندیشه و چه در عمل حول مفهوم «شهر دوستدار کودک» (cfc) نهفته است. این مفهوم

به‌طور کلی به این معناست که دولتمردان چگونه این شهرها را براساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن حقوق اساسی بچه‌ها مثل سلامت، حمل‌ونقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه‌ها نیست، بلکه شهری است که به وسیله‌ی کودکان ساخته می‌شود (Riggio, 2002: 46). یک شهر دوستدار کودک منظومه‌ای (سیستمی) از یک حاکمیت محلی مطلوب و ملتزم به اجرای کامل کنوانسیون حقوق کودکان است. شهرهای بزرگ و کوچک - و نیز اجتماعات کوچکتر - و حتی محیط‌های روستایی، همگی دعوت می‌شوند تا این امر را تضمین کنند که حاکمیت آنان اولویت را به کودکان بدهد و آنان را در فرایندهای تصمیم‌گیری درگیر کند (گلسون و همکاران به نقل از یونیسف، ۱۳۹۲: ۲۳).

در عمل اولین بار در سال ۲۰۰۷ شهر «بندیگو» در استرالیا از طرف یونیسف به عنوان شهر دوستدار کودک و اولین شهری که تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های یک شهر دوستدار کودک را از نظر یونیسف به خود اختصاص داده بود، معرفی و به رسمیت شناخته شد. در ایران اولین تجربه‌ی جدی پس از زلزله مخرب سال ۱۳۸۲ در بم صورت گرفت. همچنین از طرف مؤسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا شهر «اوز» در استان فارس برای اولین بار به عنوان شهر دوستدار کودک در فروردین ۱۳۸۹ انتخاب شد.

محله

محله به عنوان کوچکترین واحد شهرسازی از نظر تقسیمات شهری است. دیویس و هربرت (۱۹۹۵) به تنوع و تفاوت تعریف‌های ارائه شده در خصوص محله اشاره می‌کنند. این تعریف‌ها طیف گسترده‌ای از عناصر به کار رفته در آنها براساس ویژگی‌های اجتماعی، کالبدی و شکل‌های سازماندهی گرفته تا فرآیند شناخت، علائق مشترک و روابط اجتماعی و رفتاری را شامل می‌شود. لازم به یادآوری است که برخی تعاریف معاصر از محله بر مبنای مقیاس کودک اشاره می‌کنند. به عنوان مثال تعریف پری از واحد همسایگی که اندازه‌ی یک محله را از مرکز آن (موقعیت استقرار مدرسه‌ی ابتدایی) براساس توانمندی حرکت کودک از ۴۰۰ تا ۶۰۰ متر عنوان می‌کند.

کودک و محله

محله به عنوان اولین عرصه‌ی عمومی‌ای که کودکان در تعامل با آن قرار می‌گیرند مورد اهمیت است (متینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۱). دوران کودکی به‌طور خلاصه شامل سه دوره‌ی اصلی است که عبارتند از دوران نخستین، دوران پیش‌دبستانی و دوران دبستان. توانایی‌های ادراکی طفل در دوره‌ی سوم کودکی گسترش سریع را نشان می‌دهد؛ این توانایی‌ها عبارتند از: احساس، ادراک، افکار و استدلال (عظیمی، ۱۳۷۵: ۲۴۰). کودک از ۹ سالگی ارتباط اجتماعی بیشتری با همسالان خود برقرار می‌کند. او در دوره‌ی ۹ تا ۱۰ سالگی بیشتر به همسالان احترام می‌گذارد و به تشکیل گروه با آنان و به‌ویژه با همجنسان می‌پردازد و به فعالیت‌های دسته جمعی علاقه‌ی بیش‌تری نشان می‌دهد. از ۱۱ تا ۱۲ سالگی کودک در بازی‌ها مراعات حقوق دیگران را می‌کند و به ملت، سرزمین و محیط خود علاقه پیدا می‌کند و به سمت عقاید و اندیشه‌های خاصی جذب می‌شود که زیر بنای تشکیل عقایدی است که در نوجوانی به آن به‌شدت پایبند می‌شود (ماسن و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۹۹). در دوره‌ی دبستان و با رفت‌وآمد از خانه به مدرسه کودکان شروع به تجربه‌ی محیط محله‌ی خود می‌کنند. آن‌ها تمایل دارند با همسالان خود در محله بازی کنند و با محیط کالبدی محله درگیر شوند. در صورت پاسخ مثبت به این نیازها، کودک ارتباطی مثبت با محله شکل داده و پایه‌های هویت محله‌ای و شهری در او شکل می‌گیرد (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). همانطور که هاردین (۲۰۰۰) استدلال می‌کند، محله به‌طور بالقوه به عنوان یک فضای مهم محلی، در نیمه راه بین فضای امن خانه و درک خطرات فضای عمومی عمل می‌کند. او بیان می‌کند که: حوزه‌های محلی یا محله مسلماً به عنوان یک چشم انداز خطر از طریق عواملی چون ترس از غریبه‌ها و افزایش ترافیک سواره بازسازی شده است. رساندن کودکان با اتومبیل و همراهی مداوم آنها توسط یک بزرگسال در فضای عمومی می‌تواند ساده‌ترین راه جلوگیری از فعالیت‌های بیرون از منزل و ارتقاء فردیت و توسعه‌ی استقلال کودک باشد. اقدامات خودکار کودکان در فضای عمومی مهارت‌های آن‌ها را می‌سازد که تا بزرگسالی ادامه پیدا خواهد کرد. همچنین حضور کودکان در فضای عمومی ممکن است فواید گسترده‌تر اجتماعی را داشته باشد، مانند: درک از جامعه، احساس اعتماد و حمایت متقابل (Tranter and pawson, 2001). حضور کودکان اغلب کمک می‌کند تا حایل‌های بین بزرگسالان شکسته شود و خیابان‌ها را جذاب‌تر، اجتماعی‌تر و قابل زندگی‌تر بسازد. به هر حال کودکان نیاز به فرصت‌هایی دارند که در آن به ملاقات و معاشرت با یکدیگر، جدا از مکان‌های کنترل شده توسط معلمان و والدین بپردازند (Simpson, 1997).

حس اجتماعی

ریشه واژه‌ی اجتماع در واژه‌ی لاتین *communitas* به معنی رفاقت است (Cowan, 2005: 77). در زبان فارسی این واژه از جمله مفهومی‌هایی است که معادل‌سازی و ترجمه‌ی آن دشوار است (پیران، ۱۳۸۳). در زبان فارسی از واژه‌ی *community* معانی متفاوتی از جمله اجتماع، اجتماع محله‌ای، محله و باهمستان ذکر شده است (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۶). اتزیونی اجتماع را حاصل ترکیب دو عنصر معرفی می‌کند: ۱. شبکه‌ای از رابطه‌های میان گروهی از افراد؛ ۲. رابطه‌های که اغلب متقابل بوده و یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ ۳. شاخص تعهد نسبت به یکسری ارزش‌ها، حالت‌ها و معناهاى مشترک و تاریخ و هویت مشترک در یک فرهنگ خاص (Cowan, 2005: 77). چاسکین (۱۹۹۷) در گونه‌بندی اجتماع آن را به اجتماع محلی و اجتماع ایجاد شده به وسیله علائق تقسیم می‌کند. عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) با بسط مفهوم «گروه اجتماعی» به تعریف اجتماع می‌پردازند. بر اساس تعریف ارائه شده از هومنز در خصوص مفهوم «گروه» و تعمیم و بسط آن جهت تعریف مفهوم «گروه اجتماعی» می‌توان چهار مشخصه‌ی وجه اشتراک مهم، ارتباط همراه با کنش متقابل اعضا نسبت به هم و احساس تعلق خاطر یا احساس «ما» را برای آن بر شمرد (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۹). رز مفهوم گروه را در خصوص «ساخت و سازماندهی» بسط داده و از مفاهیمی چون توده، انبوه، حضار جدا کرده و به وجوه نقش‌های تفکیک شده در آن اشاره می‌کند (Zetterberg نقل شده در رفیع‌پور، ۱۳۸۷). پس وجه اشتراک، کنش متقابل، حس مایی و ساخت و سازماندهی چهار شاخه‌ی آمیخته‌ی قابل تعمیم از مفهوم گروه اجتماعی به مفهوم بالاتر آن یعنی اجتماع است.

وجه اشتراک می‌تواند ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مشابه اعضا، علائق و خواسته‌های مشترک اعضا، تاریخ و هویت مشترک، سرنوشت مشترک، احساسات و سوگیری‌های مشترک باشد. مفهوم **ارتباط همراه با کنش متقابل** در اجتماع زمانی معنادار است که رفتار و فعالیت یک عضو، فعالیت عضو دیگر را در پی داشته و در او تأثیر بگذارد (Homans به نقل از رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۲) و این ارتباط منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط میان گروهی افراد شود؛ روابطی که اغلب متقابل بوده و یکدیگر را تقویت می‌کنند، نه اینکه صرفاً علیه یکدیگر یا زنجیروار باشند (Etzioni به نقل از کوآن، ۱۳۸۹: ۱۳۰). مفهوم **احساس** نسبت به گروه اجتماعی عبارت است از یک ارزیابی مثبت یا منفی از یک زمینه‌ی فکری (Budd به نقل از رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۳). از طرف دیگر نیاز به تعلق داشتن به جمع، به عنوان یکی از نیازهای اصلی در مدل سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو (لنگ، ۱۳۸۱: ۹۶) به عنوان شاخصی از کیفیت زندگی است؛ شاخصی از ایمنی و امنیت، کمک به دیگران، مشارکت داوطلبانه. مفهوم **ساخت و سازماندهی** در گروه اجتماعی از جانب بسیاری از اندیشمندان تأکید شده است. در هر گروه اجتماعی و بعد از شکل‌گیری آن به تدریج تقسیم کار و سازماندهی به وجود می‌آید و افراد نقش‌های مختلف را به عهده می‌گیرند. این نقش‌ها شامل «نقش رهبری» و دیگر نقش‌ها است (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۸). مک‌میلان و چاویس (۱۹۸۶) در تعریف و تبیین نظریه‌ی حس اجتماع چهار مؤلفه‌ی اصلی برای آن بر شمرده‌اند: ۱. عضویت، به معنی حسی از تعلق داشتن و وابستگی شخص به گروه؛ ۲. تأثیرگذاری، به معنی حسی که در آن اعضا نسبت به هم و گروه خود اهمیت می‌دهند؛ ۳. امداد، به معنی ترکیب و حمایت نیازها، بدین مفهوم که نیاز اعضا از طریق منافعی که از عضویت در اجتماع دارند مرتفع خواهد شد؛ ۴. ارتباط عاطفی مشترک، به معنی داشتن تجربه‌های مشترک و مشابه، زمان‌های باهم بودن، تاریخ و مکان‌های عمومی مشترک. جدول ۱ مصادیق هر یک از ویژگی‌های گروه اجتماعی را در گروه‌های کودکان نشان می‌دهد.

جدول (۱). مصادیق هر یک از ویژگی‌های گروه اجتماعی را در گروه‌های کودکان

مصادیق آن در مقیاس گروه اجتماعی کودکان	مؤلفه‌های گروه اجتماعی	
هم محله‌ای، هم کوچه‌ای، همسایگی، هم‌سنی، هم‌مدرسه‌ای، ...	وجود عامل مشترک	گروه اجتماعی
به صورت انجام بازی‌های گروهی، مشارکت در ساخت چیزها (بادبادک و ...)، رفت‌وآمد به منزل هم دیگر، هم‌کاری در انجام کارهایی مثل خرید کردن نان و ...	روابط اجتماعی همراه با کنش متقابل	
این امر بیشتر به صورت مشارکت در فعالیت‌های محله خود را نشان می‌دهد. مشارکت در مراسم اعیاد و عزاداری، این امر تأثیر خود را در سنین کودکی نشان می‌دهد. وابستگی به محله و گروه‌های هم‌سنی نیز از مصادیق آن است.	تعلق خاطر (حس مایی)	
تشکیل تیم‌های ورزشی، مشارکت در امورات محله مثل آذین‌بندی‌ها هیات‌های عزاداری و ... تشکیل تیم‌ها با لباس‌های متحدالشکل و اسامی خاص برای رقابت با محلات همجوار	ساخت و سازماندهی	

حس اجتماعی کودکان

مایلدرد پارتن، یکی از اولین کسانی که معاشرت با همسالان را در کودکان ۲ تا ۵ ساله بررسی کرد. وی متوجه شد که با افزایش سن، بازی مشترک و تعاملی خیلی بیشتر می‌شود. او نتیجه گرفت که رشد اجتماعی، سه مرحله را طی می‌کند. ابتدا با فعالیت غیر اجتماعی شروع می‌شود

رفتار تماشاگر و بازی یکه و تنها، بعد به بازی موازی تبدیل می‌شود که در آن، کودک نزدیک کودکان دیگر با اسباب‌بازی‌های مشابه بازی می‌کند، ولی سعی نمی‌کند بر رفتار آنها تأثیر بگذارد. در بالاترین سطح، کودکان پیش دبستانی به دو نوع تعامل اجتماعی واقعی می‌پردازند. در بازی ارتباطی، کودکان در آن به فعالیت‌های جداگانه می‌پردازند، ولی اسباب‌بازی‌ها را مبادله کرده و درباره‌ی رفتار یکدیگر اظهار نظر می‌کنند. سرانجام در بازی مشترک، نوع پیشرفته‌تر تعامل، کودکان به سمت هدف مشترکی مانند نمایش دادن موضوعی وانمودی، گرایش می‌یابند (برک، ۱۳۹۷: ۵۴۲).

بازی گروهی، که عموماً از سه سالگی شروع می‌شود به ایجاد مهارت‌های اجتماعی، الگوهای کنش متقابل مؤثر، همدلی، همکاری و به توان نقش بازی کردن کمک می‌کند. توانایی نقش بازی کردن ظاهراً در طی مجموعه‌ای از مراحل که از لحاظ کیفی متمایز است ایجاد می‌شود و باهوش عمومی و رفتار اخلاقی همبستگی دارد. عوامل بسیاری در موقعیت اجتماعی کودک تأثیر می‌گذارد. کودکان با موقعیت اجتماعی بالا در مورد راه‌های مؤثر تبادل با دیگران دانش و درک اجتماعی بیشتری دارند. کودکانی که عزت نفس‌شان در حد متوسط است در مقایسه با آنهایی که عزت نفس‌شان در حد پایین یا بسیار بالا است از سوی همسالان خود بهتر پذیرفته می‌شوند. رفتارهای جامعه‌پسند در اوایل دوران کودکی تحت تأثیر خودخواهی و رفتار پرخاشگرانه‌ی کودک قرار دارد. البته در دوران ابتدایی کودکان شروع به سهیم کردن دیگران، کمک کردن و همدلی و همدردی با دیگران می‌شوند (ماسن و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۲۶). در پایان اواسط کودکی، کودکان میل نیرومندی به تعلق گروهی نشان می‌دهند. آنها گروه‌های همسالان را تشکیل می‌دهند، جماعت‌هایی که ارزش‌ها و معیارهای منحصر به فردی برای رفتار و یک ساختار اجتماعی با رهبران و دنباله‌روها را به وجود می‌آورند. آداب و رسوم این گروه‌های غیر رسمی به فرهنگ همسالان می‌انجامد که معمولاً واژگان مخصوص، لباس خاص، و محلی برای پاتوق را شامل می‌شود (برک، ۱۳۹۷، ۶۸۹).

کوچه و خیابان برای کودک باید فراتر از یک گذر، معبر و یک فضای مکث و فعالیت جمعی باشد. محیط کوچه‌ها و خیابان‌ها، که به عنوان فضاهای بازی غیررسمی تلقی می‌شوند، امکان تعامل گروه همسالان با اجتماع پیرامون در محلی نه چندان دور از محل زندگی را فراهم می‌آورد. این امر نقش مهمی در رشد ذهنی، شناختی و اجتماعی کودکان دارد تا حدی که زمین‌های بازی طراحی شده نمی‌تواند جایگزین آنها شود. لذا، طراحی کوچه‌ها و خیابان‌ها همانند زمین‌های بازی می‌بایست در راستای یادگیری کودکان نسبت به مفاهیم، روابط، شکل‌ها، اندازه‌ها، رنگ‌ها و مسایل زیبایی شناختی صورت گیرد. تعامل کودکان در محله‌ها باعث انگیزش حس تعلق به مکان و هویت در کودکان می‌شود. تعلق مکانی در واقع رابطه‌های است که میان کودک و محیط برقرار شده و براساس این رابطه محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود. بنابراین، تعلق به مکان از عناصر تقویت‌کننده هویت است و احساسی است که به مرور زمان شکل می‌گیرد. با ایجاد حس تعلق به محله کودک به محض خروج از خانه محیطی نیمه خصوصی - نیمه عمومی محله‌ها تجربه کرده و آرام آرام وارد فضای کاملاً عمومی و غیرقابل پیش‌بینی شهر می‌شود. حس تعلق به مکان از حفظ نمادهای شهری، ویژگی‌های خاص فرهنگی اجتماعی زندگی و میزان و نحوه فعالیت کودکان در فضاهای جمعی نشأت می‌گیرد (کربلایی حسینی غیاثوند و ستاری: ۱۶).

جدول (۲). گونه‌بندی فضاهای عمومی در ارتباط با حضور کودکان

گونه‌بندی فضاهای حضور کودکان در محله	مصادیق	ویژگی‌ها
فضاهای رسمی	محل‌های مشخص و طراحی شده معمولاً در جوار پارک‌ها برای کودکان (فضاهای بازی کودکان)	تسهیلات بازی، امکان نظارت والدین، به لحاظ فنی فضاهای ایمن، به لحاظ اجتماعی امن، پخش عادلانه فضا در سطح محله، امکان دسترسی ایمن به آنها
فضاهای غیررسمی	کوچه‌ها و گذرها و فضاهای عمومی محله	وجود تسهیلات بازی تا حد امکان، امکان نظارت عرصه خصوصی به عمومی، فضای امن اجتماعی و ایمن عملکردی

اقسام فعالیت‌های اجتماعی ممکن در فضاهای محله

از طرف دیگر می‌توان بر اساس اقسام فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای شهری (Gehl, 1986)، فعالیت‌ها در مقیاس دوره‌ی سنی کودکان را می‌توان مطابق جدول ۲ تدوین کرد. فعالیت‌های ضروری مانند رفتن به مدرسه؛ فعالیت انتخابی که خود را به صورت فعالیت بازی در فضاهای عمومی خود را نشان می‌دهد و فعالیت اجتماعی که خود را در تشکیل گروه‌های سازماندهی شده‌ی اجتماعی بروز می‌دهد؛ این گروه‌ها می‌تواند در قالب تشکیل تیم‌های ورزش و نیز گروه‌های بازی نشان دهد.

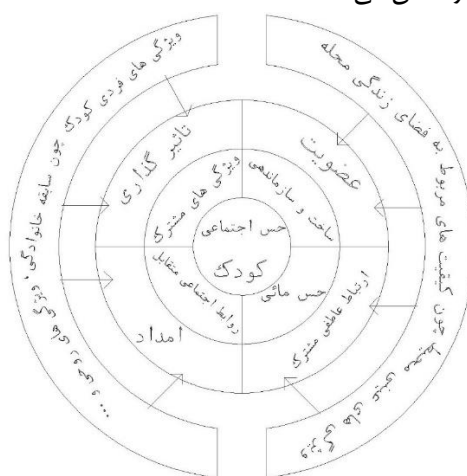
جدول (۳). اقسام فعالیت و مصادیق آن در اجتماع کودکان.

گونه‌بندی فعالیت‌ها	مصادیق
ضروری	رفت و آمدهای معمول به مدرسه
اختیاری	بازی با گروه‌های همسالان
اجتماعی	مشارکت در امورات محله مانند تمیز کردن، آذین‌بندی جشن و اعیاد

چارچوب نظری پژوهش

در ارتباط با حس اجتماعی کودک دو عامل از اهمیت به‌سزایی برخوردار است:

۱. عوامل عینی محیط که به کیفیت‌های مرتبط با محیط زندگی مربوط می‌شود. این کیفیت‌ها می‌تواند خود را در عوامل کالبدی، اجتماعی، عملکردی، بصری و ادراکی نشان دهد؛ عواملی که زمینه‌ساز شکل‌گیری حس اجتماعی کودکان در محیط می‌شود.
 ۲. عوامل ذهنی که به ویژگی‌های زندگی فردی کودک مرتبط می‌شود. این ویژگی‌ها می‌تواند به شکل‌گیری حس اجتماعی در کودکان منجر شود؛ ویژگی‌هایی که متناسب با شخصیت فردی کودک، زندگی خانوادگی و عوامل مشابه به آن قرار می‌گیرد.
- شکل ۱ ساختار چهارچوب نظری تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمودار چهارچوب نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش براساس پارادایم واقعیت‌گرایی به ویژگی‌های عینی محیط برای پیشبرد اهداف پژوهش می‌پردازد. در ارتباط با روش پژوهش، روش کیفی با فنون پرسش‌نامه، مصاحبه (انفرادی و گروهی)، نقشه‌های شناختی جهت برداشت اطلاعات بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. جامعه‌ی آماری شامل کودکان پیش دبستانی (۵ - ۷) و نیز کودکان دبستانی (۷ - ۱۲) و والدین آنها در محله رشدیه شد. تعداد ۶۰ کودک و ۲۵ والدین به عنوان نمونه‌ی آماری و به صورت تصادفی از محله مورد پژوهش قرار گرفتند. روش گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی است. برای شناخت نمونه‌ی موردی ابتدا نقشه‌های مورد نیاز براساس موضوع را تهیه کرده و پس از شناخت کامل از محدوده به تجزیه و تحلیل نمونه‌ی موردی پرداخته شد. در ادامه و بر اساس مساله‌ی پژوهش و نکاتی که

از میانی نظری به دست آوردیم، شناخت و تجزیه و تحلیل انجام شده از محدوده، به طراحی و ارائه پیشنهاد پرداخته شد. در نهایت بر اساس یافته‌ها و چهارچوب نظری تحقیق راهنمای طراحی شهری برای تقویت حس اجتماعی کودکان برای محله تدوین شد.

بررسی نمونه موردی و یافته‌های

محله‌ی رشدیه در شمال غرب تبریز یکی از محلات مدرن در این شهر است. آپارتمان‌نشینی الگوی غالب سکونت در آن محسوب می‌شود. شکل ۲ موقعیت بزرگنمایی شده از عکس هوایی گوگل را در شهر تبریز نشان می‌دهد.



شکل ۲. عکس هوایی محله‌ی رشدیه

- در برداشت‌های میدانی صورت گرفته از محله با تکنیک پرسشنامه، مصاحبه و نقشه‌شناختی موارد زیر یافته شد:
۱. با وجود آنکه کودکان ۱۸ درصد از کل جمعیت ساکن در محله‌ی رشدیه را شکل می‌دهند، حضور کودکان در فضاهای عمومی کم رنگ است. حضور کودکان در فضاهای غیر رسمی (شامل فضاهای خیابان‌ها و کوچه‌ها) نسبت به فضاهای رسمی (محل بازی کودکان در پارک‌ها) کم‌تر است. اما فضاهای باز سبز میان آپارتمان‌ها به عنوان محل‌های بازی به صورت غیررسمی قابل مشاهده است. غیر از مشاهدات در خصوص فعالیت کودکان در معابر محله، به صورت دوچرخه‌سواری، بازی‌های دیگری در این گونه فضاها مشاهده نشد.
 ۲. والدین کودکان به عنوان یکی از موانع حضور کودکان در فضاهای همگانی به عدم ایمنی کافی معابر به لحاظ ترافیکی اشاره کردند. این امر به‌ویژه در نواحی جنوبی محله که ارتباط عملکردی - ترافیکی بیشتری با شهر دارد مشهود بود.
 ۳. از طرف دیگر به دلیل حضور کاربری‌های مقیاس شهری در نواحی جنوبی محله مثل مراکز خرید پردیس و پالادیوم، موجب می‌شود تا حضور غریبه‌ها در تضاد با محیط آشنای محله قرار گرفته و حضور کودکان در این نواحی را دچار مشکل کند. حضور کودکان در نواحی شمالی محله که دارای لبه‌ی تعریف شده با عنصر طبیعی کوه است، نسبت به نواحی جنوبی بیشتر بود. در واقع نواحی شمالی و شمال شرقی دارای حس بیشتری از محیط آشنا و خصوصی‌تر از محله است.
 ۴. عدم مناسب‌سازی فضاها برای حضور کودکان به هنگام بازی و پیش فرض آسیب دیدگی احتمالی به هنگام بازی در ذهن والدین به عنوان یکی از عوامل مانع‌ساز برای حضور کودکان در فضاهای شهری است. فضاهای سبز میان بلوک‌ها، آنجا که نظارت بیشتری از طرف والدین از عرصه‌های خصوصی به عمومی بود، عامل مهمی برای مجوز حضور کودکان در آنها محسوب می‌شد. این امر با امکان حضور والدین در نزدیکی محل بازی آنها مورد تأکید بیشتر بود.
 ۵. به صورت ویژه هیچ سطحی از ساخت و سازماندهی در میان گروه کودکان قابل مشاهده نبود. این امر غیر از شکل‌گیری گروه‌های بازی، در انجام فعالیت‌های دیگر مانند ساخت تیم‌های ورزشی یا رفتن به خرید با همدیگر قابل مشاهده نبود.
 ۶. در ارتباط با میزان تعلق کودکان به محله‌ی خود، گروه‌های دوستی به عنوان یکی از عوامل مهم تعلق کودکان به محله، ۲۲ درصد را به خود اختصاص داد. در حالی که این گروه‌های دوستی لزوماً به گروه‌های دوستی وابسته به فضاهای عمومی را شامل

نمی‌شد (گروه‌های دوستی می‌تواند به ارتباط درون همسایگی هم اشاره داشته باشد). فضای سبز میان بلوک‌ها و محل‌های بازی کودکان در پارک از دیگر عوامل تعلق کودکان به محله بود. ۶۹ درصد کودکان تعلق خاطر نسبت به محله نداشتند. این امر با میزان تمایل آنها برای تداوم سکونت در محله و دلیل آن مورد واریسی قرار گرفت.

۷. براساس تحلیل نقشه‌های شناختی کودکان تصویر ذهنی مشخصی از محله‌ی خود نداشتند. این عدم تصویر ذهنی در نداشتن لبه‌های مشخص، نشانه‌های شهری و حوزه‌های درون محله مشهود بود. مسجد ورودی محله و پاساژهای خرید با مقیاس شهری از نشانه‌های ذهنی در تصویر ذهنی کودکان بود.

۸. براساس برداشت‌های صورت گرفته ۷۸ درصد از کودکان محله برای رسیدن به مدرسه‌ی خود از اتومبیل استفاده می‌کنند و ۲۲ درصد پیاده طی می‌کنند؛ که در این میان از ۲۲ درصد تنها ۴ درصد مسیر مدرسه را با نیت قبلی با گروه دوستان طی می‌کنند.

۹. به صورت عمده ۸۲ درصد کودکان تمایل به بازی با گروه هم سن خود دارند و ۱۸ درصد به گذران اوقات فراغت همراه دوستان و بازی با والدین تمایل دارند.

۱۰. در خصوص محل بازی بچه‌ها ۴۰ درصد به فضاهای باز جمعی (فضای سبز میان بلوک‌های بلند مرتبه)، ۳۵ درصد به پارک محله و بقیه به بازی در خانه‌ی خود یا دوستان اشاره کردند.

۱۱. شکل‌های ۳ نقشه‌های محدوده را در ارتباط با وضعیت موجود عوامل مهم در ارتباط با حضورپذیری کودکان را نشان می‌دهد. سلسله مراتب دسترسی، شدت استفاده از معابر، فضاهای سبز و بازی از جمله‌ی این عوامل هستند.



شکل (۳). نقشه‌های شناخت محدوده

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مبانی نظری و بررسی‌های که از ابعاد رشد کودک و مباحث شهر دوستدار کودک، مفهوم حس اجتماعی و بسط دادن این مفهوم برای کودکان انجام شد به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و تدوین چهارچوب طراحی محله دوستدار کودک براساس حس اجتماعی دست یافتیم؛ همچنین شناخت و تجزیه و تحلیل نمونه موردی سعی در پاسخگویی به سوال‌های پژوهش کردیم. در چارچوب‌های که برای شهر دوستدار کودک بیان شد بیشتر سعی شده است تا به نیازها و حقوق اولیه کودکان پاسخ داده شود و رشد اجتماعی و هیجانی آنها حقیر بماند. در شهرهای مدرن امروزی با حذف و یا کم کردن فضاهای همگانی و باز عمومی موجب تعامل کمتر ساکنین و مردم باهم شده و این امر خود موجب کم‌رنگ شدن حس اجتماعی در بین جوامع را موجب شده است که این مسئله بر کودکان نیز صدق می‌کند. کودکان نیاز دارند تا عضوی از گروه شوند و بر این گروه تأثیر بگذارند و با آنها پیوند عاطفی مشترکی را برقرار کنند و به رفع نیازهای موجود در گروه تلاش کنند. آنها اگر بتوانند در این دوره حس اجتماعی را تجربه کنند در آینده جامعه‌ی بهتری را خواهند ساخت و این امر موجب کم‌تر شدن هنجارهای اجتماعی در آینده و تقویت رشد اجتماعی و هیجانی کودکان می‌شود. کودکان در شهرهای مدرن امروزی حضور و تعامل کمی در محله و فضای شهری دارند که این امر خود باعث آسیب‌های روحی و اجتماعی در کودکان می‌شود که ممکن است در آینده، جامعه‌ی شهر دچار ناهنجاری‌های مختلف شود. کودکان حال حاضر برای حضور در سطح محله و یا شهر باید همراه با والدین خود باشند و این به دلیل وجود مشغله‌های کاری والدین فقط در روزهای تعطیل امکان همراهی با کودکان را به آنها می‌دهد و کودکان در روزهای دیگر هفته یا در خانه و یا در مهد و مدرسه روز را سپری می‌کنند و بازی و تعاملات اجتماعی کمتری را در سطح محله و شهر دارند. در این راستا اصول پانزده گانه‌ی زیر جهت ایجاد یک محله‌ی دوستدار کودک جهت رشد حس اجتماعی استدلال شد:

- اصل ۱: در طراحی فضاهای محله فضاهای غیررسمی برای حضور کودکان (کوچه‌ها، خیابان‌ها و ...) به اندازه‌ی فضاهای رسمی طراحی شده (مثلاً فضاهای بازی در پارک‌ها) اهمیت دارد.
- اصل ۲: طراحی باید بر پایه‌ی نظارت غیر فعال جهت تأمین امنیت کودکان به هنگام حضور در فضاهای عمومی باشد.
- اصل ۳: کودکان از پتانسیل هر گونه فعالیت برای انجام تعاملات اجتماعی بهره می‌گیرند، بنابراین توجه به هر سه گونه‌ی فعالیت (ضروری، اجتماعی، انتخابی) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- اصل ۴: معابر عمومی محله باید بر اساس سرعت سی (آرام‌سازی ترافیکی) طراحی شود تا ایمنی لازم برای حضور کودکان فراهم آید.
- اصل ۵: طراحی مسیرهای ویژه‌ی ترددی که به مدارس ابتدایی ختم می‌شود ایمنی کافی جهت دسترسی فردی کودکان را به مدرسه فراهم می‌آورد.
- اصل ۶: فضاهای عمومی به‌ویژه کوچه‌ها انعطاف کالبدی جهت انواع بازی کودکان را فراهم آورد.
- اصل ۷: فضاهای بازی کودکان با فضاهای دیگری مثل نشستن سالمندان ترکیب شود تا با درک چرخه‌های دیگر از زندگی حس اجتماعی ارتقاء یابد.
- اصل ۸: طراحی فعالیت‌های خرده‌فروشی در مسیرهای حرکتی ویژه‌ی کودکان به مدارس.
- اصل ۹: ترکیب فضاهای حضور کودکان با فضاهای سبز.
- اصل ۱۰: طراحی محله بر اساس لبه‌های (ضمنی یا آشکار) مشخص بر درک بهتر مرزها.
- اصل ۱۱: وجود فضاهایی که کودکان بتوانند در آنها با فعل بازی در ارتباط با کودکان سایر محلات قرار گیرند.
- اصل ۱۲: طراحی مرکز محله بر اساس مقیاس کودک و حضور کودک در آن به عنوان یکی از محل‌های اساسی جهت اجتماعی شدن.
- اصل ۱۳: وجود نهادهایی مانند کتابخانه، فرهنگ‌سرا با عملکردهای متناسب برای کودکان در محله.
- اصل ۱۴: فضاهای بازی محافظت شده به لحاظ اقلیمی جهت حضورپذیری در فصل‌های مختلف سال.
- اصل ۱۵: مدیریت سازمانی محله برای مشارکت بیشتر کودکان در محله و امورات مربوط به مدیریت آنها.

از طرف دیگر با فرض اصول مورد نظر و بر اساس ابعاد مختلف رشد کودک می‌توان راهنمای طراحی شهری متناسب برای محله‌ی دوستاد کودک را به شرح جدول ۴ ارائه داد.

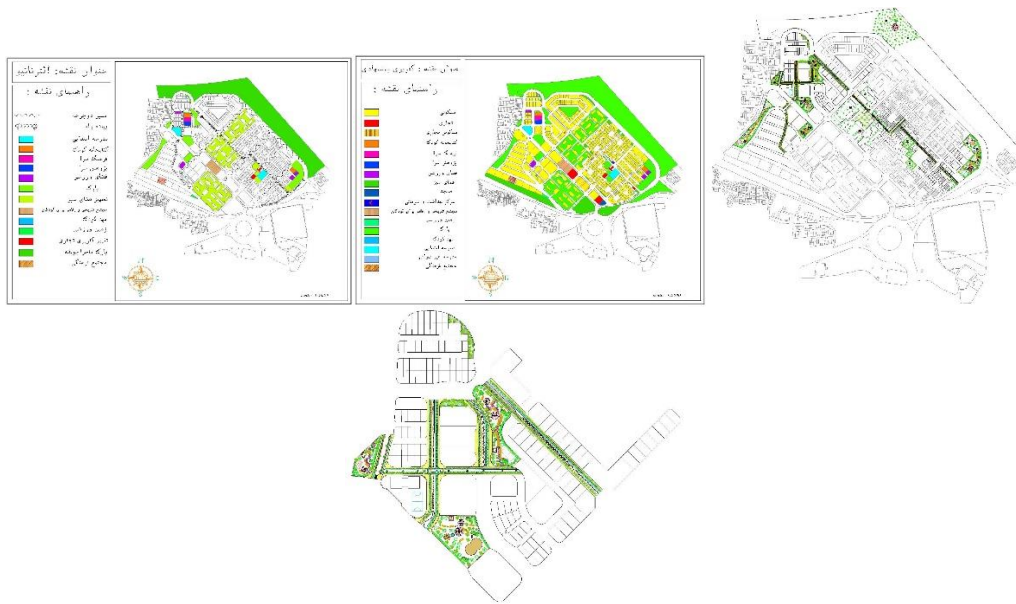
جدول (۴). تدوین راهنمای محله‌ی دوستاد کودک بر اساس حس اجتماعی.

رده‌ی سنی	جسمانی (فیزیکی)	شناختی	هیجانی و اجتماعی
کودکان بین ۳ تا ۱۲ سالگی	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه‌ریزی مسیرهای دوچرخه و پیاده و ارتقاء کیفیت پیاده‌رو در سطح محله - امکان دسترسی کودکان به آب آشامیدنی و سرویس بهداشتی در سطح محله - دسترسی آسان به پارک‌ها و فضاهای طبیعی - تأمین حمل و نقل عمومی مناسب و خدمات ضروری جهت برآورده شدن نیازهای اساسی غذا، پوشاک، پناهگاه و سلامتی کودکان - فراهم کردن میلمان شهری براساس رشد جسمانی در هر سن کودک - پوشش مناسب کف‌های فضاهای باز عمومی برای کودکان 	<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری‌های محله - نزدیکی مدرسه‌ی ابتدایی و مهد کودک به مسکونی برای پیاده‌روی کودکان و ایجاد خوانایی در آنها - نزدیکی سوپر مارکت‌ها به مسکونی‌ها برای خرید کردن راحت کودکان و آموزش نحوه‌ی درست خرید کردن به آنها - تعامل کودکان با طبیعت در محله - دسترسی به منابع یادگیری مانند کتابخانه - فراهم کردن بستر یادگیری و توسعه برای کودکان در فضاها و مکان‌های روزمره‌ی محله - نقاشی کردن کودکان در دیواری مخصوص این کار در محله - آموزش مهارت‌های زندگی برای کودکان در فضاهای باز عمومی محله - الگوبرداری کودکان از رفتارهای بزرگترها و ساکنین محلات - استفاده از رنگ‌های شاد و بافت در نماهای ساختمان و فضاهای باز عمومی - ایجاد فضای برای کاشت گل و گیاه توسط کودکان برای تعامل آنها با طبیعت و آموزش برای حفظ زمین - ایجاد فضای لازم برای ارتباط کودکان با حیوانات 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود امنیت و ایمنی در محیط زندگی - حس تعلق و احراز هویت در محله برای کودکان - مشارکت کودکان در رویدادهای فرهنگی و اجتماعی در محله - امکان انجام بازی‌های مشترک و گروهی با همسالان در کوچه‌ها و سطح محله - امکان تعامل و مشارکت کودکان با همسالان در سطح محله - تأمین روشنایی مناسب خیابان‌ها و کوچه‌ها و فضاهای عمومی محله - حضور کودکان به هر بهانه‌ای با امنیت و ایمنی کافی در فضاهای عمومی - وجود فضاهای انعطاف‌پذیر برای انجام فعالیت‌های مختلف برای کودکان در محله - طراحی فضاهای عمومی و جمعی متناسب با مقیاس کودک در سطح محله - دسترسی کودکان به فضاهای ورزشی - ایجاد پارک و فضای ماجراجویانه برای کودکان - مکان‌یابی فضای سبز و پارک‌ها در محدوده بر اساس چشمان خیابان تا والدین با خیال آسوده نظارگر بازی کودکان باشند.

بر اساس اصول پانزده گانه و نیز راهنمای طراحی تدوین شده تمهیدات لازم در ارتباط با محله رشدیبه به شرح زیر می‌باشد:

۱. ایجاد مسیر پیاده‌راه و دوچرخه برای کودکان در مسیر منتهی به مدرسه؛ ۲. تجهیز پارک‌ها و فضای سبز در راستای ایجاد فضاهای رسمی بازی و پخش متناسب آنها در سطح محله و نیز ایجاد پارک‌های جدید مانند پارک ماجراجویانه و فکری؛ ۳. ایجاد بهانه‌ای برای حضور کودکان در کنار هم، مانند دیواری برای نقاشی کردن کودکان؛ ۴. کاشتن گیاهان در جاهای تعبیه شده توسط کودکان؛ ۵. ایجاد کتابخانه‌ی مخصوص کودکان؛ ۶. ایجاد فضاهای ورزشی و فرهنگی؛ ۷. ایجاد زمین‌های ورزشی برای انجام ورزش‌های گروهی؛ ۸. قرار دادن میلمان شهری مخصوص کودکان در فضاها؛ ۹. مناسب‌سازی فضاهای عمومی جهت حضور کودکان در آنها؛ ۱۰. افزایش سرانه‌ی آموزشی در محدوده؛ ۱۱. جانمایی تجاری‌های خرد در نزدیکی و مسیر مدرسه.

نقشه‌های شکل ۴ به طرح پیشنهادی برای محدوده‌ی مورد نظر می‌پردازد.



شکل (۴). طرح پیشنهادی

منابع

- اسماعیل پور، نجما و قربی، متیرا، ۱۳۹۷، میزان سازگاری محلات شهری شکل گرفته در دوره های مختلف رشد شهر با اصول نوشهرگرایی (مورد نمونه محلات مظفری، جری مویدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی در شهر کرمان)، *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی*، سال ۲۲، شماره ۶۵، ص ۱-۲۶
- برک، لورا، ۱۳۹۸، *روانشناسی رشد*، جلد اول (از لقاچ تا کودکی)، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ارسباران
- پورمحمدی، محمدرضا و مصیب زاده، علی، ۱۳۸۸، آشنایی با محله و معیارهای محله بندی شهر با تأکید بر شهر تبریز، *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی (دانشگاه تبریز)*، سال ۱۴، شماره ی ۲۸، ص ۵۳-۸۹
- پیران، پرویز، ۱۳۸۳، *برداشت‌های نادرست در باب مفاهیم علمی*، وقایع اتفاقیه، شماره ی ۱۶.
- جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم، ۱۳۹۰، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، *هویت شهر*، شماره ۸، سال ۵، ص ۲۷-۳۷
- جیمز، آلیس و جنکس، کریس و پروت، آلن، ۱۳۹۳، *جامعه شناسی دوران کودکی نظریه پردازی دربارهٔ دوران کودکی*، ترجمه ی علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم آبادی، تهران: نشر ثالث.
- چرخیان، مریم، ۱۳۹۸، مقایسه رضایتمندی از فضاهای مسکونی در محلات (نمونه موردی: سه محله فردوسی، دانشگاه و پونک در قزوین)، *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی*، سال ۲۳، شماره ۶۷، ص ۱۰۹-۱۲۸.
- حاجی‌پور، خلیل، ۱۳۸۵، برنامه‌ریزی محله مینا: رهیافتی کارآمد در مدیریت شهری پایدار، *نشریه ی هنرهای زیبا*، شماره ی ۲۶، ص ۳۷-۴۶.
- حبیبی، سید محسن و مسائلی، صدیقه، ۱۳۷۸، *سرنانه کاربری‌های شهری*، سازمان ملی زمین و مسکن
- رستگار، امیر و بونفانتینی، برتراندو، ۱۳۹۵، تدوین راهنمایی طراحی شهری دوستدار کودک، *مدیریت شهری*، شماره ۴۴، ص ۶۵-۹۰
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۷، *آنانومی جامعه: مقدمه‌ای برای جامعه شناسی کاربردی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شبعه، اسماعیل، ۱۳۸۵، *آمادگی شهر برای کودکان*، تهران: نشر شهر.
- عبداللهی، مجید و صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله، ۱۳۸۹، بررسی نظری مفهوم محله و باز تعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۲، ص ۸۳-۱۰۲
- غفاری، علی و قلعه نویی، محمود و عمادی، خشایار، ۱۳۹۳، شهر دوستدار کودک ارزیابی و مقایسه چگونگی پاسخگویی به اصول شهر دوستدار کودک در بافت جدید و سنتی ایران (مطالعه موردی: شهرک سپاهان شهر و محله جوباره اصفهان)، *هویت شهر*، شماره ۳۴، سال ۸، ص ۲۷-۳۸
- کامل‌نیا، حامد و حقیر، سعید، ۱۳۸۸، الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک (نمونه موردی: شهر دوستدار کودک بم)، *باغ نظر*، شماره ۱۲، سال ۶، ص ۷۷-۸۸
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و ستاری، مهسا، ۱۳۹۵، بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر امنیت و نشاط اجتماعی کودکان (نمونه موردی: منطقه ۲ شهرداری قزوین)، *جغرافیای انتظامی*، شماره ۱، سال ۴، ص ۱-۳۴
- کوان، رابرت. (۱۳۸۹). *فرهنگ شهرداری*، ترجمه ی انجمن مترجمین پارسی، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- گلسون، براندن و سایپ، نیل و دیگران، ۱۳۹۲، *شهر کودکانه*، ترجمه پیمان ضیایی و مونا واله، نشر تیسرا
- ماسن، پاول و کیگان، جروم و هستون، آلتاکارون و جین وی کانجر، جان، ۱۳۸۲، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسائی، کتاب ماد(وابسته به نشر مرکز).
- محمودی پاتی، فرزین و بلوری، زهره، ۱۳۹۷، بررسی رابطه مولفه های تأثیر گذار بر میزان تعاملات اجتماعی در محلات پرتراکم (مورد مطالعه: محله اسپه کلا شهر آمل)، *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی*، سال ۲۲، شماره ۶۶، ص ۲۸۱-۳۰۵
- مستغنی، علیرضا و اعتمادی، شهرزاد، ۱۳۹۵، چگونگی شکل گیری حس مکان در کودکان، *آرمانشهر*، شماره ۱۷، ص ۱۰۳-۱۱۳



– نوروژی، علیرضا و نسترن، مهین، ۱۳۹۳، **برنامه ریزی فضای بازی کودکان بازیکده های شهری**، جلد اول: اصول برنامه ریزی و مکان یابی در عرصه کوی و محله، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان

- Cowan, Robert ,2005, **The Dictionary of Urbanism**, London: Streetwis Press.
- Gehl, Jan,1987, **Life between Building**, NewYork: Van Nostrand Reinhold.
- Howard, Amanda, 2006, **What Constitutes Child Friendly Communities and how are they built?** , report prepared for the Australian Research Alliance for Children and Youth (ARACY), Sydney : perth
- W. McMillan .David & M. Chavi, David ,1986.**Sense of Community: A Definition and Theory** , Community Psychology,14. January 1986 . page 6-23
- W. McMillan .David.1996.**Sense of Community**. Community Psychology,24.No. 4 ,page 315-325
- Riggio, Eliana.2002.**Child friendly cities: good governance in the best interests of the child**.Environment&Urbanization ,14. No.2, page 45-58
- Satterthwaite, David, 2004, **City governance for and with children. International institute for environment and development**, London: IIED.
- UNICEF.2018. **Child Friendly Cities and Communities Handbook** .unicef
- Woolcock, Geoff , & Steele, Wendy, 2008, **Child-friendly community indicators-a literature review**, Queensland: Griffith university